بررسی تطبیقی تصاویر شاهنامه بایسنغری با ادبیات حماسی شاهنامه

مسعود همتی وینه*

چکیده: ادبیات حماسی و نگارگری ایران از هنرهای قدیم و پویای ایران زمین بوده‌اند که از دیرباز به یاری هم شتافته‌اند، ادبیات حماسی ایران با ظهور نابغه‌ای به نام فردوسی به نهایت خود رسیده و نمونه کامل حماسه را به تصویر کشید شاهنامه فردوسی سرشار از صحنه‌های اسطوره‌ای، تخیلی، رزمی و در عین حال غنایی و تغزلی است و همچنین بازگو کننده دیدگاه هنرمند ایرانی به دنیا و نگاه فرازمینی او به هستی است که تمام این مفاهیم در اسطوره‌ها و پهلوانان حماسه آفرین شاهنامه دیده می‌شوند . نگارگر ایرانی نیز با دیدگاه هماهنگ با تفکراتی که ذکر شد، حرکت کرد و در مکاتبی چون شیراز، تبریز و هرات متبلور شد . نگار گر ایرانی جهان را از دیدگاه واقعگرایانه صرف نمی‌بیند چرا که با آن دید دیگر تصویر کردن اسطوره‌ها و پهلوانان و اساطیر غیر ممکن می‌شود و در حد یک انسان عادی تنزل پیدا می‌کنند. فضا و زمان و مکان و نگارگری ایرانی از دید معمول نیست و اینها همه همراه و هماهنگ با ادبیات حماسی است و این مفاهیم در هر دو هنر دیده می‌شوند . تصاویر شاهنامه بایسنغری از بهترین و کامل‌ترین نگاره‌های مکتب هرات است که در این رساله با ادبیات حماسی شاهنامه قیاس شده‌اند و نگرشی است بر این گونه کارها و بر اینکه چگونه می‌توان از قابلیت‌های ادبیات ایرانی و به ویژه ادبیات حماسی استفاده کرد و هنرمندان بزرگ و اندیشمندان در گذشته چگونه این مهم را انجام داده‌اند.

واژگان کلیدی: ادبیات حماسی، شاهنامه فردوسی، نگارگری ایرانی، شاهنامه بایسنغری، مکتب هرات.

مقدمه

بی شک ادبیات ایران به‌خصوص نوع حماسی آن، از غنی‌ترین و از هنرهای تأثیرگذار در فرهنگ ایران است که به تعبیری دیگر می‌توان گفت ادبیات و شعر ایران از فرهنگ غنی و ریشه‌دار ایران جان گرفته و گوشه‌ای از هنر ایرانیان را نشان می‌دهد. اشعار حماسی فردوسی سرشار از تصاویر زیبا، حماسی، تغزلی و اسطوره‌ای است . هنگامی‌که شاهنامه می‌خوانیم، حتی اگر هنرمند و هنرجو نباشیم و با هنرهای تجسمی آشنایی نداشته باشیم تصاویر و صحنه‌های قهرمانان و اسطوره‌ها در ذهنمان مجسم می‌گردد وآنها را در خیال تصویر می‌کنیم. حال اگر هنرجو یا هنرمند باشیم و از ترکیب‌بندی و رنگ چیزی بدانیم این تصاویر در ذهنمان نقش می‌بندد و آنها را حتی فراتر از فیلم در ذهنمان می‌پنداریم، با قهرمانان زندگی می‌کنیم و با آنان همزاد پنداری می‌کنیم، دیو و دد را لمس می‌کنیم همراه با قهرمانان در آوردگاه ذهن به جدال می‌پردازیم، با عشق آنان عاشق می‌شویم و با درد آنان می‌سوزیم. شکوه و صلابت و قدرت ادبیات شاهنامه فردوسی به‌حدی است که کتاب‌ها، تصاویر و نگاره‌های مختلفی در ادوار مختلف براساس آن خلق شده‌اند و زیبایی تصویر بدون شک از ادبیات غنی ایران بهره گرفته و موجب خلق تصاویری زیبا شده‌اند. هنر نگارگری ایران از ساختارهای متصل به فرهنگ ایرانی، اسلامی‌است، این هنر بیانگر عالمی فرازمینی است و عالمی دیگر را باز می‌نماید. قوانین حاکم بر اصول نقاشی غربی نظیر هندسه مناظر، مجسمه‌سازی، نقطهٔ عطف، و امثال این مفاهیم در نگارگری آن دوران جایی ندارد و هیچگاه نگارگر ایرانی نکوشید تا به طبیعت دو بعدی سطح کاغذ دست زده و به‌طریقی آن را سه‌بعدی کند. نگارگری ایران با به‌کارگیری کامل مفهوم و گسسته فضا قادر شدسطح دوبعدی اثر را مبدل به تصویری از مراتب وجود سازد و افق حیات عادی و وجود مادی را به مرتبه‌ای عالی‌تر از وجود و آگاهی ارتقاء دهد و او را متوجه جهانی مافوق این جهان، لکن دارای زمان و مکان و رنگ‌ها و اشکال خاص خود، جهانی فراسوی این جهان مادی سوق دهد. شاهنامه بایسنغری در زمانی خاص و با شرایطی ویژه خلق شد. در آن زمان امور دردست افرادی با ذوق و علاقه‌مند به هنر بود و هنرمندان نامدار و کارکشته را از اقصا نقاط ایران به هرات کوچاندند و بسیاری خود جذب شدند و با حمایت و درایت و البته هنر و خوش‌ذوقی شاهزاده‌ای

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.

Archive of SID

www.SID.ir

بنام بایسنغرمیرزا این اثر عظیم و ماندگار که خود نمایانگر گوشه‌ای از حکمت و عرفان و دیدگاه ایرانیان به هنر و تصویرسازی و نگارگری در مکتب هرات است، نمایان می‌گردد. با اندکی تأمل در تصاویر شاهنامه بایسنغری همراهی ادبیات با نگارگری ایران به خوبی قابل درک است و با توجه بیشتر به قدرت نگارگری در آن زمان و تطبیق به ادبیات غنی آن دوره پی می‌بریم.

ادبیات حماسی و شاهنامه

«حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد» (صفا، ۱۳۴۴، ۳) «ریشه هر منظومه حماسی یکی از باریکترین مباحث ادبی است که تحقیق در آن، در عین حال به سبب دلایلی که در طبیعت مطلب نهفته، بسی دشوار است» (صول، ۱۳۶۹، ۲). شاعر افسانه‌های کهن کارنامه‌ها را گردآوری می‌کند و در عین محفوظ داشتن ریشه آنها و تا جایی که ممکن باشد حفاظت شکل اولیه کار مایه‌ها، اثری هنری می‌آفریند. «تصویر ۱»

تصویر ۱: مجلس هشتم، نبرد رستم و دیو سفید.

www.SID.ir

«داستان آن بزرگان و نامداران در دفاتر ثبت بود و فردوسی بنای شاهنامه خود را بر آن دفاتر نهاده بود. اما عالمی که او می‌دید و وصف می‌کرد فقط در خیال او موجود بود و بقوه شاعری او میان در می‌آمد و به اشعار فصیح بلیغ بلندی به زبان شیرین و نیرومند فارسی توصیف می‌شد» (همان، ۲). «لازمه یک منظوه حماسی تنها جنگ و خونریزی نیست بلکه منظومه حماسی کامل آن است که در عین توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های قوم نماینده عقاید و آراء و تمدن او نیز باشد و این خاصیت در تمام منظومه‌های حماسی مهم جهان موجود است» (صفا، ۱۳۴۴، ۹ و ۱۰). «دیگر خصائص منظوه‌های حماسی ابهام زمان و مکان در آن است به‌عبارت دیگر منظومه حماسی در زمان و مکان محدود نیست زیرا هر چه صراحت زمان و مکان بیشتر باشد صراحت و روشنی وقایع بیشتر است و در نتیجه وقایع داستانی و اساطیری به تاریخ نزدیکتر می‌شود». (همان، ۱۱)

مکتب هرات

دوران تیموریان در اواخر قرن چهارم میلادی با تاخت و تازهای حاکم بی‌رحمی به نام تیمور از سرزمین آسیای مرکزی، آغاز شد. «سبکی که به نام تیموری معروف شد، تحول طبیعی نقاشی ایرانی در قرن چهاردهم میلادی است و ارتباطی به حمله بیشتر آن ندارد. در واقع این شاهزادگان حامی نقاشان نسل دوم و سوم مکتب تیموری بودند که نام مزبور را دقیقاً برازنده این سبک ساختند». (گری، ۱۳۶۹، ۶۲). «شاهرخ پسر تیمور در هنگامی که هنوز پدرش زنده بود و در خراسان حکمرانی می‌کرد و در همان زمان با تشویق از صنعتگران و دانشمندان در حوزه فرمانروایی خویش مرکز فرهنگی مهمی بوجود آورد بطوری که شهر مشهد در آن روزگار یکی از مراکز هنری بشمار می‌آمد و در حقیقت می‌توان با توجه بدانکه مکتب هرات دنباله شیوه‌ای است که در مشهد بنیان گذاشته شده بود بدین جلوه‌ی هنر نام مکتب خراسان داد ولی از آنجا که پس از انتقال پایتخت شاهرخ به هرات این شهر به سهم خود مرکز بزرگی در زمینه هنرهای گوناگون از جمله در قلمرو هنر نقاشی گردید و بویژه در زمان سلطنت پسر وی بایسنغر هنرمندان بزرگی از این شهر برخاستند. از این رو پژوهندگان هنر از جلوه از نقاشی به نام مکتب هرات یاد کرده‌اند» (تجویدی، ۱۳۵۲، ۱۳۱ و ۱۳۲). بایسنغر پسر شاهرخ مردی هنرمند و هنر دوست بود «موقعی که او حاکم عمومی قسمت هرات گردید کتابخانه دیگری با هنرستان و دارالفنون از برای ترویج و تکثیر پیشه و هنر ترتیب داده و در آنجا نقاشان و تذهیب‌کارها و خوشنویسان و جلدسازهای زبر دست و سر آمدی را جمع‌آوری نمود. این بنگاه هنری کارهای مهمی را به‌نوبت خود در نقاشی و تذهیب انجام داد. استادان از شیراز و تبریز و سمرقند به هرات آمده و در آنجا تمرکز پیدا نمودند» (محمدحسن، ۱۳۵۶، ۷۴). یکی از شاهکارهای هنر این دوران شاهنامه است که آن هم به کتابخانه گلستان تعلق دارد و از آنجا که به دستور و با تشویق شاهزاده بایسنغر نگاشته و مصور شده است به نام وی شهرت یافته است. نقاشی‌های این کتاب از نظر رنگ آمیزی و تناسبات اجزاء گوناگون تصویر در نهایت استحکام و زیبایی رقم گردیده است . بررسی نقاشی‌های این نسخه به خوبی تداوم سنت‌های پیشین مینیاتور ایرانی را در هنرستان هرات روشن می‌سازد گرچه نام نقاش این مینیاتورها هنوز بطور قطعی شناخته نشده است ولی خوشنویسی که اشعار این شاهنامه را نوشته است میرزا جعفر مشهور به جعفر بایسنغری می‌باشد. «بایسنغرمیرزا که خود کتابشناس وخوشنویس طراز اولی بود از جوانی به سفارش کتاب‌های نفیس پرداخت. تا اواسط سال‌های ۸۲۲ هجری قمری مکتب نقاشی بایسنغری شکل شامخ و بایسته خود را یافته بود . اغلب نگاره‌هایی که برای بایسنغر میرزا ساخته شدند از نظر اندازه بزرگند ولی در عوض تکرار ترکیبهای آرام و متعارف، هنرمندان کتابخانه بایسنغر میرزا به تجربیات تازه‌ای از نظر بیان، حرکت، شکل گل و گیاه و صخره‌ها، دست زند در ترکیب بندی‌های نگارگران این دوره هیچ عنصر نسنجیده و ناموزونی به چشم نمی‌خورند، خواه موضوع نگاره شاهزاده‌ای در حال تفرج باشد یا نبرد اسفندیار با گرگ‌ها، ساختار هندسی و نظم موجود در نگاره‌های دوره بایسنغر میرزا، اغلب ولی نه همیشه، براساس ارتباط هماهنگ میان سطوح افقی و اریب و ضرباهنگ ظریف در سرتاسر اثر است » (کن بای، ۱۳۷۸، ۶۱ و ۶۲). هنر در ایران از آغاز، معنوی و با تکیه بر خیال بوده و گرایش به هنر انتزاعی داشته است و در نگاره‌های شاهنامه باسنغری که از بهترین آثار نگارگری ایران در مکتب هرات می‌باشد به خوبی مشهود است این رشد هنری در بین سال‌های ۸۰۷ تا ۹۱۲ ه . ق در هرات شکل می‌گیرد. اگر چه در آن دوران شعرهای حماسی و حماسه سرایی چون شعر غنایی مورد توجه نبود ولی تصویرسازی و نگارگری برای اشعار حماسی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین موراد تصویرسازی بود. تصویرسازی برای شاهنامه که سرآمد حماسه‌های ایران است در اکثر مکاتب قبل و بعد از هرات از موارد اصلی بوده و همیشه مد نظر و مورد توجه شاهان، دربایان، نقاشان و خطاطان بوده است چرا که حماسه سرایی یک ملت، تاریخ آن مردم است و اصولاً حماسه برای ملت‌هایی که در حال شکل‌گیری بودند

Archive of SID

www.SID.ir

حکم یک اصل را داشت این امر مهمی است که تمامی افراد ملتی در دروان مختلف در آن دخالت کنند وذی نفع باشند. مانند موضوع تشکیل ملیت و تحصیل استقلال و دفاع برابر دشمنان اصلی و مانند اینها چنانکه در شاهنامه و حماسه‌های ملی جهان مشاهده می‌شود. هنر نگارگری ایران نیز از ساختارهای برخاسته و متصل به فرهنگ و ارزش‌های ایرانی، اسلامی برخاسته است، هنر نگارگری ایران بر اصل تقسیم بندی منفصل فضای دو بعدی تصویری استوار است زیرا به قول سید حسین نصر: «. . . . فقط به این نحو می‌توان هر افقی از فضای دو بعدی مینیاتور را مظهر مرتبه‌ای از وجود و نیز از جهتی دیگر مرتبه‌ای از عقل و آگاهی دانست (نصر، ۱۳۴۷، ۱۶). نگارگری ایران با به کارگیری کامل مفهوم و گسسته فضا قادر شد سطح دو بعدی اثر را مبدل به تصویری از مراتب وجود سازد و افق حیات عادی و وجود مادی را به مرتبه‌ای عالی‌تر از وجود آگاهی ارتقاء دهد و او را متوجه جهانی ما فوق این جهان، لکن دارای زمان و مکان و رنگ‌ها و اشکال خاص خود، جهانی فراسوی این جهان مادی سوق دهد. «تصویر ۲» اگر با دقت و حوصله بیشتر به تصاویر شاهنامه بایسنغری نگاه کنیم و آن را با شاهنامه فردوسی تطبیق دهیم به هماهنگی و همراهی بیشتری پی‌می‌بریم. «در کلام فردوسی ایجاز و مساوات همه بجای خود بکار رفته است. در وصف میدان جنگ و وصف پهلوانان و یا برشمردن مردانگی‌ها و بزرگی‌ها آنان کلام سخن پرداز بزرگ ایران معمولاً با اطناب همراهست و چون از این موارد و یا نظایر آنها بگذریم غالباً در شاهنامه با مساوات برابر می‌شویم که گوینده طوس با نهایت قدرت تناسب میان الفاظ را نگاه داشته و از طریق سادگی و صراحت فکر و لفظ را حفظ کرده است» (صفا، ۱۳۴۴، ۲۷۷).

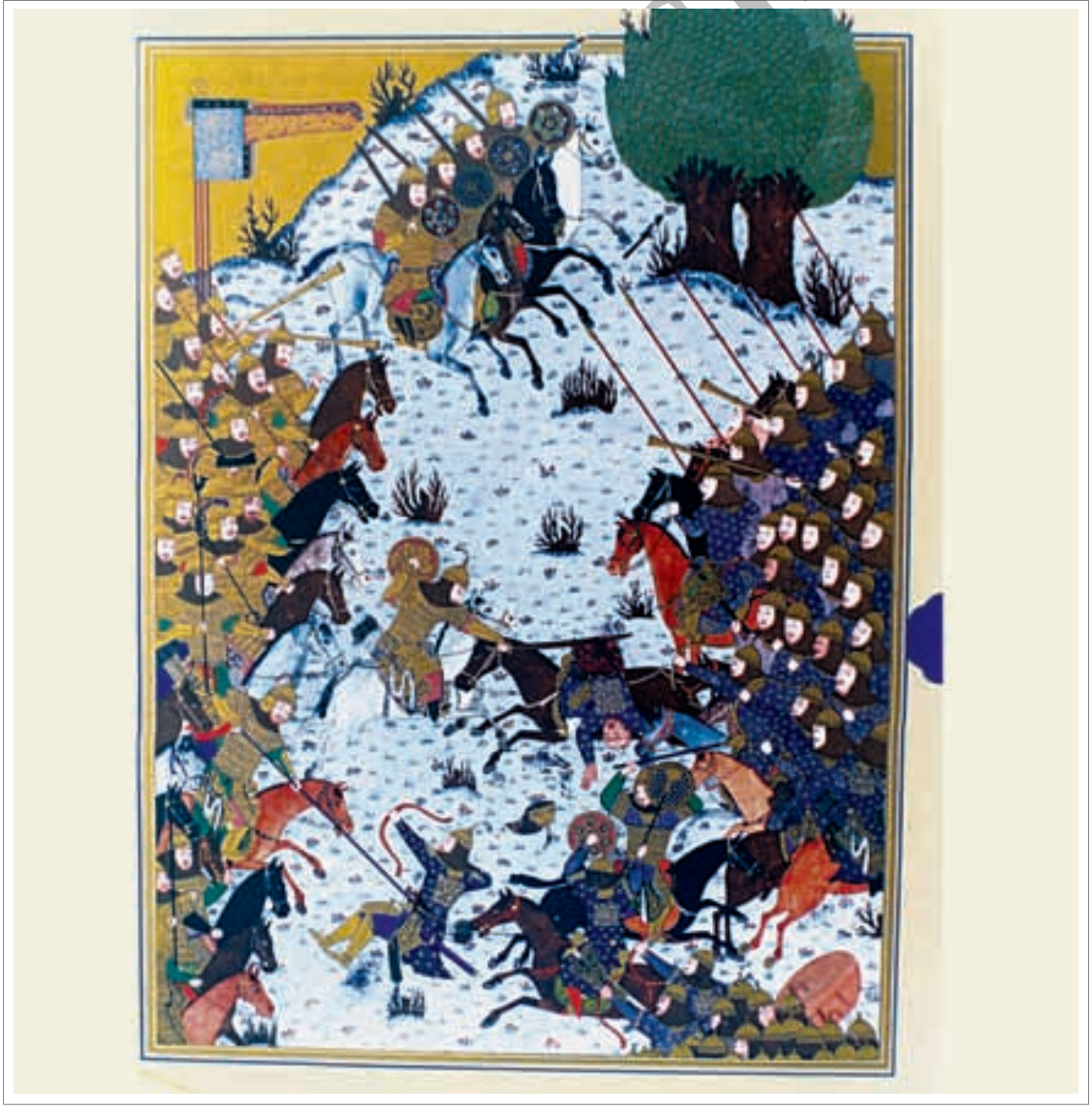

تصویر ۲: نبرد کیخسرو و افراسیاب.

www.SID.ir

حال با تأکید به عبارات مرحوم استاد ذبیح اللّه صفا که به حق در تحقیق و بررسی ادبیات ایران زبانزده هستند می‌توانیم مساوات و ایجاز را در شعر شاهنامه با تصاویر مورد بحث مقایسه کنیم. همانطور که قبلاً ذکر شد تناسب و مساوات در نگارگری ایران از دیدگاه هنرمند ایرانی سرچشمه می‌گیرد. که تمام اجزا را دقیق می‌بیند و از کوچکترین و کم ارزش‌ترین بوته و گیاه نیز نمی‌گذرد و آن را به دقت صورت سربند و لباس شاه و حاکم و شخصیت محوری داستان، ترسیم و ریز پردازی می‌کند و گویای این مدعا تصویر آغازین شاهنامه بایسنغری است . هماهنگی و ارتباط خوشایند بین شعر و تصویر را در یکی از نگاره‌های شاهنامه بایسنغری که به تخت نشستن و زمامداری جمشید است را بررسی می‌کنیم. «تصویر ۳»

تصویر ۳: زمامداری جمشید

www.SID.ir

بدین اندرون سال پنجـــاه رنـج
بپیمـود و زین چند بنهاد و گنج
دگر پنجـــه اندیشــه جـامه کـرد
کــه پوشنــد به هنگـام بزم و نبرد
زکتـــان و ابریشــم و موی و فـر
قصــب کـرد پرمایــه دیبـــا و خـز
چو شد بافته شستن و دوختـن
گرفتنـــد از و یکســر آموختـــن
چو این کرده شد ساز دیگر نهاد
زمـانه بـدو شـاد و او نیـــز شـــاد

در این شعر عنصر زمان نقش بسیار مهمی را ایفاد می‌کند که در شعر حماسی از اهمیت زیادی برخورد است و در آن گونه‌ای ابهام حکفرماست این ابهام وعدم توجه به فواصل و مکان از لوازم حماسه‌های طبیعی و واقعی است. «فوق منطقی بودن تفکر اساطیری که نمونه‌های همنوع آن هنوز در جهان یافت می‌شود . از ممیزات این تفکر است بدیهی است که چنین تفکری فوق منطقی انسان عصر اساطیر، هنر و صورت هنری خاص خویش را می‌طلبد. هنرمند این عصر سعی دارد در صور محسوس و خیالی خویش جهانی بهتر از جهان بشری را فرود آورد» (مددپور، ۱۳۷۱، ۱۴۱). در تصویر زمامداری جمشید ۵۰ سال زندگی و پادشاهی که در چند بیت آمده در این نگاره بی زمان و مکان گنجانده شده که این امر در نقاشی ایران ممکن است و همانطور که اشاره شد از خصوصیات نگارگری ایرانی است که با تکیه بر خیال و با گرایش به هنر انتزاعی می باشد. در مجلس هشتم که نبرد رستم و دیو سفید را نمایش می‌دهد . تصویر در همه جا حماسی و پر تحرک است . فضا برخلاف نگاره قبلی پر تحرک و شلوغ‌تر است و حرکت چمنزار و صخره و نگاه فردی که در کنار درخت بزرگ سمت راست ایستاده، همه و همه چشم در جهت موضوع اصلی که نبرد و رزم و غلبه رستم بر دیو است را نشان می‌دهد و برای اینکه این موضوع بیشتر توجه بیننده را جلب کند در زمینه تیره و پرتگاه قرار گرفته و نوشته‌ها و کلمات در زیر چون ستونی استوار و عمود این منحنی‌ها و ترک‌های بالای صحنه را که سراسر شور است، کنترل می‌کنند. ساختار هندسی و نظم در این نگاره براساس ارتباط دقیق بین سطوح افقی و اریب و ریتم ظریف در تمام نگاره است. در سمت راست تصویر درخت و صخره از کادر بیرون رفته‌اند که به آن سمت تحرک بخشیده‌اند و هر جا که تحرک پیش بیاید بنابر اصول فیزیک، زمان وجود دارد واین زمان در نگاره‌های ایرانی نشان دهنده زمانی فلسفی و ماندگار و جاودانگی است. همانطور که در اول بررسی این نگاره به اسطوره و چگونگی نگرش به پهلوانان اشاره شد جنبه‌هایی از زندگی پهلوانان به یاد می‌ماند و به زمان سپرده می‌شود که قابل بازماندن در یادها باشد و این اعمال مقدس است و افعالی که شبیه به افعال ایزدان باشد. در این داستان هم رستم با از خود گذشتگی‌ها و دلاوری‌ها دیوها را که نشان تباهی و فسادند از میان برداشته و دست به اعمال مقدس و جاودانه می‌زند و در تصویر این هماهنگی در شعر و نگاره خود را به رخ ما می‌کشد و بیننده ریز بین و نکته سنج را متحیر می‌کند. رنگها و فرم‌ها در تصویر تنوع زیادی دارند که نسبت به ریتم تند شعر و پویایی کلمات رنگها و فرم‌ها هم ریتم تندتر و پویاتری دارند. «تصویر ۴»

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۴: به بندکشیدن ضحاک به دست فریدون

www.SID.ir

نتیجه‌گیری

فاصله‌ای که در عصر ما بین هنرها ایجاد شده می‌توان دوری هنرها و عدم وفاق آنها باشد. در آنزمان که ادبیات به سبک و سیاق ایرانی و متناسب با فرهنگ و جامعه پیش می‌رفت، نقاشی نیز پا به پای آن حرکت می‌کرد و به یاری هم می‌رفتند. با ذکر مثال‌هایی که در مقاله ذکر شد همانگی نگاره‌ها را با مضامین، رابطه رنگ و فرم با ادبیات، ارتباط ترکیب بندی با ریتم، سبک و صنایع ادبی و حتی از نظر مضامین فلسفی متوجه می‌شویم. تحلیل و تطبیق انجام شده به اندازه توان با وضعیت موجود، چنین بود از جمله نتایجی که می‌توان به آن اشاره‌کرد این است که : ویژگی‌های هنری ادبیات شاهنامه در زمان خلق شاهنامه بایسنغری به خاطر ترقی و بلوغ نگارگری در آن زمان موجب خلق تصاویر بسیار زیبا و هماهنگ با نوع شعر حماسی شاهنامه شده‌اند که بررسی آن با بیانی جدید موجب نشان دادن گوشه‌ای دیگر از هنر غنی این مرز و بوم می‌باشد. توجه به نوع تصویرسازی و نگارگری که به داستان وفادارند و توجه به استفاده از رنگ‌ها، فرم، ترکیب‌بندی و مدد گرفتن از ادبیات برای هنرهای تجسمی از موارد مورد توجه شاهنامه بایسنغری است. عدم پرداخت واقعگرایانه بدین سبب بود که نگارگر، عالم فرازمینی و تا حدی تمثیل گونه‌ی‌حماسی و اسطوره‌ای را با پرداخت و نگرشی واقعگرایانه به پیش پا افتادگی نیفکند و به‌جهان رمزآلود و تمثیلی ادبیات حماسی وفادار بماند. و در زمانی که این تصاویر با این کیفیت و غنای بصری و براساس تفکر عمیق و همراه با ادبیات و زیباییهای فرم و رنگ خلق می‌شد هنوز خبری از بزرگان نقاشی غرب همچون لئوناردو داوینچی، میکل آنژ و . . . نبود. و چه نیک است که با شناخت فرهنگ بصری و ادبی خودمان به خود باوری رسیده، دست به خلق آثاری نو بزنیم. با تحلیل و تطبیق این مباحث و تأثیر گرفتن از آن می‌توانیم گامی نو در خلق هنرهای تجسمی با بیانی بدیع و همگام با ادبیات و خصوصاً فرهنگ غنی خویش برداریم. به شرطی که آگاهانه و بدور از تعصب با مطالعه و شناخت دقیق صورت گیرد. امید که این امر با تلاش دانشجویان و هنر جویان و با مدد و یاری استادان و ناظران عزیز صورت پذیرد.

فهرست منابع

۱ـ بهار، م، **از اسطوره تا تاریخ**، گردآورده و ویراستار، دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، نشر چشمه، چاپ دوم با اضافات، ۱۳۷۷.

۲ـ تجویدی، اکبر، **نقاشی ایرانی از کهن‌ترین روزگار تا دوران صفوی**، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر ۱۳۵۲.

۳ـ حسینی، مهدی، **زمینه‌های نگارگری در ایران**، جزوه دانشگاه هنر.

۴ـ صفا، ذبیح اللّه، **حماسه‌سرایی در ایران**، انتشارات خودکار یاران، اسفند، ۱۳۴۴

۵ـ کن بای، شیلا، **نقاشی در ایران**، ترجمه: مهدی حسینی، انتشارات دانشگاه هنر تهران، ۱۳۷۸.

۶ـ گری، ب **نقاشی ایران**، مترجم : عربعلی شروه، انتشارات عصر جدید، چاپ اول ۱۳۶۹.

۷ـ محمد حسن، زکی، **تاریخ نقاشی در ایران**، ترجمه: ابوالقاسم سحاب، انتشارات سحاب، چاپ دوم ۱۳۶۵.

۸ـ مددپور، م، **حکمت و ساحت هنر**، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱.

۹ـ مول، ژول، **شاهنامه فردوسی**، ترجمه و دیباچه جهانگیر افکاری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۹، جلد اول.

۱۰ـ نصر، سید حسین، **عالم خیال و مفهوم فضا در مینیاتور ایرانی**، باستانشناسی و هنر ایران، شماره یک زمستان ۱۳۴۷.

Archive of SID

www.SID.ir